

دکتر ادريس احمد

سمرقند و بخارا

دو مرکز بزرگ فرهنگ و ادبیات فارسی

در تاریخ روابط فرهنگی و ادبی ایران و سرزمین‌های آسیای میانه، چندین شهر همواره نقشی اساسی را داشته‌اند که نام آنها با ادب و فرهنگ ایران به صورت جدایی ناپذیر در آمیخته است. امروز نیز این شهرها گنجینه‌دار ابدیه تاریخی و آثار باستانی و هنری ایران یا مربوط به فرهنگ و تمدن ایرانی بوده و قسمت اعظمی از میراث مشترک فرهنگی و ادبی ایران و آسیای میانه در بردارند.

مهمترین این شهرها، دو شهر بخارا و سمرقند می‌باشند که در قرون اولیه هجری به ترتیب پایتخت سامانیان و همچنین خانیان یا سلسله خاقانیان ماوراءالنهر که خود را آل افراسیاب نیز می‌خواندند، بودند. خاندان سامانی اساساً دودمانی ایرانی نژاد بود که احیای سنن فرهنگی ایران باستان را وظیفه ملی می‌دانست و به همین جهت در بار این خاندان از آغاز به صورت درخشان‌ترین کانون ادب فارسی درآمد. خاندان خانیان اگرچه ایرانی تبار نبوده ولی فارسی زبان رایج در بار این خاندان بود. حتی دو تن از پادشاهان این سلسله به فارسی نیز اشعاری سروده‌اند. پادشاه دیگر این خاندان به نام کمال‌الدین محمود همان کسی است که ممدوح انوری و رشیدالدین وطواط بوده است.

در «آثار البلاد» گفته شده که نام فارسی سمرقند «مرکند» بود و نخست کیکاووس قلعه سمرقند را بنا کرد. در زمان سامانیان، این شهر شکوه و رونق بسیار

داشت ولی در سده هفتم هجری به دست چنگیز خان ویران گردید. تیمور این شهر را پایتخت خود ساخت و آن را به صورت کانون هنر ایرانی در آورد. تیمور با بنا نمودن باغ‌ها و ساختمان‌های زیبا، این شهر را همانند شیراز و اصفهان هنری زیبا ساخته بود. به دستور این پادشاه هنرمندان، صنعت‌گران و دانشمندان از ایران و اطراف و اکناف ایران بدان جاز رفتند و در ساخت بناهای عالی و پدید آوردن آثار بزرگ علم و هنر به کار گماشته شدند. در زمان حافظ سمرقند و بخارا این قدر شهرت به دست آورده بودند که حافظ در شعر معروف خود ذکر آنها را این طور کرد:

اگر آن ترک شیرازی بدست آرد دل ما را

بخال هندویش بخشم سمرقند و بخارا را

گویند تیمور حافظ را طلبیده از او پرسید که من سراسر جهان را ویران کرده این دو شهر را که میهن من است زینت و زیبایی بخشیدم و شما می‌خواهید فقط «بخال هندویش» آن را به دیگری بخشید. حافظ پاسخ داد که "به همین عادت سخاوتمندی نوبت به این فقر و فاقه رسید"

حافظ در یک شعر دیگر خوبان سمرقندی را توصیف کرده می‌گوید:

به شعر حافظ شیراز می‌گویند و می‌رقصند

سیه چشمان کشمیری و ترکان سمرقندی

الخ بیگ پسر شاهرخ و نواده تیمور خود مردی دانشمند و ادیب و فیلسوف بود. در زمان او فرهنگ ایرانی در این ناحیه به کمال رونق خود رسید. وی معروف‌ترین ریاضی‌دانان و ماهرترین عالمان نجوم عصر خود را در دربار خویش گرد آورد و به کمک آنها رصدخانه معروف الخ بیگ را که از مهمترین رصدخانه‌هایی تاریخ اسلامی می‌باشد، بنیاد نهاد. الخ بیگ به کمک ایشان زیج معروفی ترتیب داد که

۱- شعر العجم، علامه شبلی نعمانی، مطبع معارف اعظم گره، ۱۹۴۷، ۲: ۱۹۸.

به نام «زیج الخ بیگی» مشهور است. خود الخ بیگ کتاب مهمی درباره این زیج نوشت.

در ۱۵۰۰ میلادی این شهر تحت تصرف ازبک‌ها درآمد و در ۱۸۶۸ میلادی سمرقند مانند بخارا تحت تسلط روسیه تزاری درآمد در این مدت برای محفوظ نگهداشتن بناهای دوره اسلامی اقداماتی چند اتخاذ شدند. در سال ۱۹۲۲ میلادی به دستور ولادیمیر لینن این کار مرمت و نوسازی برخی از بناهای تاریخی این شهر شروع شد. سه مدرسه الخ بیگ، شیردره، و تلیه قاری که ساختمان‌های آنها بسیار آسیب دیده بودند مرمت و نوسازی گردیدند. همچنین از دیگر بناهایی که به مرمت آن پرداخته شد می‌توان از گور امیر روح آباد، شوپن عطا، مقابر شاه زنده، مسجد حضرت خضر در، سمرقند و مدرسه قوقلتاش، چار مینار دیوان بیگی، خانقاه فیض آباد و یادگارها در خیوان نام برد.

پس از سقوط اتحاد جماهیر شوروی، ازبکستان و کشورهای دیگر خاورمیانه آزادی خود را اعلام کردند و از آن زمان در سمت احیای فرهنگ و زبان فارسی و روابط صمیمانه با همجواران سعی و کوشش بسیار مبذول گردید.

در سمرقند بناها و مدارس و مقابر و کتابخانه‌ها زیاد وجود دارد که به صورت مستقیم یادگار فرهنگ و تمدن ایرانی بوده و نشانگر شکوه و عظمت فرهنگ و تمدن ایرانی در روزگاران گذشته باشند. مهمترین این مراکز، بناهای معروف به «شاه زنده» است که مجموعه‌ای از آثار جالب و نمونه عمده فن معماری ایرانی و اسلامی است. جز مجموعه ابنیه شاه زنده که شامل گور امیر تیمور و مقابر جانشینان او شاهرخ و میرانشاه، الخ بیگ، عبدالعزیز، محمد سلطان و مقبره میر سید برکه، مرشد امیر تیمور می‌باشد. از دیگر آثار چون مسجد بی بی خانم (زوجه امیر تیمور) مسجد خواجه احرار، مدرسه شیردره، مدرسه طلاکاری، مدرسه الخ بیگ، خانقاه و مزار عبدالله احرار و مزار سوزنی سمرقندی نیز می‌توان نام برد.

در این سرزمین نخستین شاعران فارسی گوی، شعر و ادب فارسی را در ماوراءالنهر در شهرهایی چون بخارا و سمرقند پایه گذاری کردند. سامانیان که نام خود را از شهر سامان در ایالت بلخ گرفته بودند، دربار خود را به شیوه دربار ساسانی بنیاد نهادند که از همان آغاز به صورت کانون اصلی علم و ادب، هنر و فرهنگ فارسی درآمد.

حتی قبل از سامانیان، شعرا به زبان فارسی نیز شعر می گفتند. از زمره اینان، می باید از عباس مروزی شاعر اواخر سده دوم، شفیق بلخی، مسعود مروزی و از صانع بلخی معاصر رودکی نام برد. در اوایل دوران سامانی شعری مانند ابوالمثل بخارایی، سپهری بخارایی و مهمتر از همه ابوالمؤید بلخی شاعر و دبیر بزرگ، کار بنیان گذاری شعر فارسی را به عهده گرفتند. با این همه، شعر فارسی به مفهوم واقعی خود با رودکی پایه وجود نهاد که اهل قریه پنچ رودک از توابع سمرقند بود و مزار او در این قریه زیارتگاه مقدسی بوده است. از جمله شاعران، مشاهیر، خطاطان و حکماء که شهرت زیاد بدست آوردند و نام آنها در تاریخ محفوظ است ابو حفص سغدی مخترع آلت موسیقی به نام شهرود، ابو شکور بلخی شهید بلخی و سوزنی سمرقندی می باشند.

دو تن از بزرگترین نمایندگان فرهنگ ایران که متعلق به همین نواحی و همین دوران بودند عبارتند از ابو نصر فارابی (م: ۳۳۹ هـ) و عارف نامی ابو سعید ابوالخیر از دشت خاوران (۳۵۷-۴۴۰ هـ). ابو ریحان بیرونی (۳۶۲-۴۴۰ هـ) و ابو علی سینا (۳۷۰-۴۲۸ هـ) که دو دانشمند بزرگ ایران می باشند که یکی از بیرون خوارزم و دیگری از قریه افشین بخارا برخاستند.

بدون ذکر نظامی عروضی سمرقندی (سده ششم هجری) نویسنده چهار مقاله و دولت شاه سمرقندی مؤلف تذکره الشعرا (سده نهم هجری) و همچنین خواجه عبيدالله احرار سمرقندی معروف به خواجه احرار (یکی از بزرگترین مشایخ

نقشبندیه) که آرامگاه او نزدیک سمرقند همواره زیارتگاه معتقدین بوده است، این مقاله نامکمل خواهد ماند.

در این قرن دو شاعر بزرگ، مدتی در ماوراءالنهر می زیستند که یکی از آنها عبدالرحمن جامی است که در سمرقند درس خواند و در مرو، فاراب، تاشکند و سمرقند بسر برد. دیگری امیر علی شیرنوبی صدر اعظم معروف دربار سلطان حسین بایقرا است، شاعر و نویسنده زبردست فارسی نیز بود و در اشعار خود «فانی» تخلص می کرد. نوایی معاصر و دوست جامی بود.

فهرست اسامی نویسندگان و شعری که از سمرقند و نواحی سمرقند برخاستند بسیار طولانی است و نمی تواند در این مقاله کوتاه گنجانیده شود.

بخارا پایتخت سامانیان و شیانیان را شاید یکی از قدیمی ترین اقامتگاه های اقوام ایرانی نژاد باید شمرد. این شهر تاریخی در کنار رود زرافشان بنا شده و در شرق آن میدانی است که هنوز به نام ساسانی آن «ریگستان» خوانده می شود. پادشاهان بخارا یک کاخ سلطنتی در «ریگستان» و کاخ دیگری در محل «جوی مولیان» داشتند که شعر رودکی درباره آن و داستان مربوط به آن در بیشتر کتاب های تاریخ نقل شده:

می گویند که نصر بن سامانی در فصل بهار به باد غیس (هرات) سفر کرد و در محافل ساز و آواز هوای خوشگوار و موافق، مدت اقامتش چهار سال طول کشید چندانکه درباریان و امرا به تنگ آمدند. بالاخر نزد رودکی رفته از ایشان تقاضا کردند که طوری پادشاه را برای بازگشت به بخارا آماده کند. رودکی از ایشان پنج هزار اشرفی صلّه گرفت و این قصیده معروف را سروده و خدمت پادشاه تقدیم نمود:

بوی جوی مولیان آید همی یاد یار مهربان آید همی
ای بخارا شادیناش و شادزی شاه سویت میهمان آید همی

شاه سرواست و بخارا بوستان سروسوی بوستان آید همی
 شاه ماه است و بخارا آسمان ماه سوی آسمان آید همی
 با شنیدن این شعر نصر سامانی به حدی متأثر گشت که همان وقت آماده سفر گشت
 و پای برهنه بر مرکب سوار شده و به طرف بخارا عزیمت نمود. رودکی در
 سال ۳۰۴ هـ ق در گذشت.

بنای «کهن دژ» یا ارگ بخارا در کتب مورخان شرقی به سیاوش پسر کیکاوس
 نسبت داده شده و در کتاب معروف «تاریخ بخارا» در این باره گفته شده است که
 این شاهزاده ایرانی موقعی که بر اثر دسیسه سودابه از پدر بگریخت و به دربار
 افراسیاب رفت و دختر او را به زنی گرفت، این دژ را بساخت، ولی افراسیاب
 به همین جهت بدو بدگمان شد و او را بکشت و در دروازه گوریان به خاک سپرد و از
 همین جهت است که مغان بخارا آن مزار را عزیز می داشتند و در آن مراسم
 سوگواری خاصی برپا می کردند که آن را «گریستن مغان» می نامیدند. در همین
 تاریخ بخارا آمده است که در آغاز اسلام مردم بخارا هنگام نماز قرآن را به فارسی
 می خواندند، زیرا «زبان تازی نتوانستند آموخت»

به طوری که بیرونی می نویسد زرتشتیان بخارا در روز بیست و هشتم ماه اول هر
 سال جشنی به نام «رامش آغام» می گرفتند و در آن عید در آتشکده ای که نزدیک
 قریه رامش است، جمع می شدند. برجسته ترین شخصیت جهان اسلامی در سده
 دوم و سوم هجری محدث معروف ابو عبدالله محمد بن اسمعیل بن ابراهیم بن المغیره
 بن یوزین الجعفی معروف به امام بخاری است. ایشان ۱۳ شوال ۱۹۴ هـ در بخارا
 متولد شدند. بعد از تحصیلات مقدماتی و حفظ قرآن، به تحصیل علم حدیث توجه
 نمود و سراسر زندگانی خود را برای جمع آوری احادیث نبوی ﷺ وقف کرد و
 تألیف وی «الجامع الصحیح» بهترین و مستندترین مجموعه احادیث است. امام
 بخاری بعد از کاوش و تحقیق مدت شانزده سال این کتاب را به تکمیل رسانید که

بیش از هزار سال می گذرد و سالیان دراز جزو مواد درسی مدارس دینی در سراسر
 جهان بوده است. امام بخاری در سال ۲۵۶ هـ در یک قریه به نام «خرتنگ» که حال
 «قریه خواجه» گفته می شود و بین سمرقند و بخارا به فاصله ۱۹ میل از سمرقند واقع
 است، در گذشت.

در هجوم اعراب تقریباً تمام کتب و مدارک و اسناد نفیسی که در این مراکز
 نگاهداری می شد از میان رفت و بدین ترتیب قسمت مهمی از تاریخ کهن این نواحی
 به دست فراموشی سپرده شد. در این باره نقل گفته ابو ریحان بیرونی جالب توجه
 است که «قتیبه بن مسلم پس از پیروزی بر خوارزم جمله نویسندگان را از دم شمشیر
 گذرانید و آنچه را که از مکتوبات، از کتاب و دفتر داشتند، طعمه آتش کرد.

در دوران سامانی، این شهر به صورت یکی از بزرگترین مرکز علم و ادب عصر
 درآمد و کتابخانه ای در آن جایجاد شد که از کتابخانه های درجه اول جهان اسلامی
 بود، شیخ الرئیس ابن سینا درباره این کتابخانه می نویسد که در آن حجره های بسیار
 بود و هر حجره از صندوق های کتاب آکنده بود. یک حجره خاص دواین شعرا و
 حجره ای دیگر خاص کتاب های دین و فقه و فلسفه بود. از آن پس چنین مجموعه ای
 از کتب به هیچ جای ندیده ام».

این کتابخانه معروف سامانیان که تا سده چهارم هجری در بخارا دایر بود،
 بزرگترین کتابخانه دنیای اسلامی بود و فهرست کتب آن به چند صد هزار جلد بالغ
 می شد. متأسفانه این کتابخانه نفیس بر اثر جنگ ها و غارت های پیاپی به کلی از میان
 رفت.

در دوران سامانیان و خوارزم شاهیان بخارا مقام شامخ علمی و ادبی خود را
 حفظ کرد و به لقب «بخارای شریف» یاد می شد، ولی در سده هفتم هجری قمری
 این شهر توسط چنگیز خان ویران شد و مردم آن قتل عام شدند و دیگر نتوانست
 رونق دیرین خود را باز یابد.

شاعران و دانشمندان بسیاری از بخارا بوده‌اند که ادبیات فارسی را از نوشته‌های خود سرشار ساختند در میان این شاعران و نویسندگان عوفی بخارایی (مؤلف تذکره لباب الالباب، و جوامع الحکایات لوامع الروایات که بهترین کتاب‌های نثر فارسی محسوب می‌شود و بسیاری دیگر شعرا و ادبا و خطاطان و نقاشان و معماران و سایر هنرمندان که فهرست اسامی آن خیلی طولانی می‌باشد، از بخارا برخاسته و شهرت جهانی به دست آورده‌اند.

در سده نهم هجری قمری، کتابخانه عمومی بزرگی در بخارا ایجاد شد که بانی آن شیخ محمد پارسا بود. این کتابخانه دارای نسخ خطی نادر و گرانبهایی بود که بسیاری از آنها را نام برده در طی سفرهای خود به مکه و مدینه همراه آورده بود. بسیاری از بناها و مزارها و مساجد و آثار تاریخی دیگر در بخارا یادگار مستقیم ایرانیان هستند. مهمترین این مراکز طبعاً آرامگاه معروف شاه اسمعیل سامانی است از اصیل‌ترین نمونه‌های معماری ایرانی در جهان محسوب می‌شود میان بناها، مدرسه‌ها و مقبره‌ها، مزار بهاء‌الدین محمد نقشبند مؤسس طریقه معروف نقشبندی در دوازده کیلومتری بخارا در روستای «قصر عارفان» است که زادگاه و محل خانقاه او بود و در همان جا نیز به خاک سپرده شده است که زیارتگاه عرفا و صاحب‌دلان و پیروان طریقه نقشبندی است.

در کتاب «ذکر مزارات بخارا» از مزار احمد بن محمود الفقراء واقع در هفت دروازه بخارا نام برده شده، اضافه بر آن در همین کتاب از بیش از یکصد مزار متعلق به بزرگان ایرانی دیگر نیز نام برده شده است.

